

آينه



مبارزه با فساد، عزمی چون حل مسئله هسته‌ای می‌طلبد

● عبدالله ناصری: وقتی دولت در هر حکومتی بزرگ باشد، وقتی نمادهای فسادآلود به اطلاع مردم می‌رسد، آنها خودبه‌خود اعتمادشان کاهش پیدا می‌کند و نسبت به سرنوشت‌شان هم مقداری دچار بی‌تفاوتی می‌شوند. شما دقت کنید جدیدترین مسئله جامعه ما بعد از فیش‌های حقوقی، اتفاقاتی بود که در رابطه با صندوق ذخیره فرهنگیان رخ داد. همه دارایی صندوق ذخیره فرهنگیان به‌منابه صندوق پس‌انداز معلمان است. درحالی‌که وقتی جایی پول انباشته می‌شود، به معنای واقعی کلمه باید در راستای توسعه کشور و رفاه مردم باشد. اما وقتی معلمی با خبر اختلاس در این صندوق مواجه می‌شود، اعتمادش به حکومت کاهش پیدا می‌کند. به‌همین‌دلیل همه ارکان حکومت باید مثل قضیه برجام عزم خود را جزم کنند تا بتوانند اعتماد مردم افزایش پیدا کند. راهش هم این است که اصلاح ساختار صورت بگیرد. راه اصلاح ساختار هم این است که نظام دیوان‌سالار حکومت در هر بخشی کوچک شود. گام نخست کشورهای توسعه‌یافته این بوده است که دولت را کوچک کردند و بخش خصوصی را با رویکرد رقابت‌آمیز توسعه دادند و خودشان سیاست‌گذار و برنامه‌ریز شدند. البته نهادها و دستگاه‌هایی که به منزله نهادهای حاکمیتی هستند در اختیار حاکمیت خواهند ماند. مثلا وزارت نفت را نمی‌توان در اختیار بخش خصوصی قرار داد، اما بسیاری از زیرمجموعه‌های این وزارتخانه می‌تواند در اختیار بخش خصوصی قرار بگیرد. این یک واقعیت است که اگر مردم بتوانند این اعتماد را پیدا کنند که اگر فسادی کشف می‌شود روند آن به گونه‌ای خواهد بود که حقوق مردم با حکومت استیفا می‌شود.

گزارش

گزارش شفاهی از املاک نجومی

نکته کلیدی گزارش آقای دادستان کل این است که از قول شهردار تهران نقل کرده که در جریان تخفیف‌ها نبوده، این عذر پدتر از گناه است.
چطور ممکن است که از این مسئله مهم بی‌اطلاع باشند؟ افراد زبردست وی که این کار را انجام داده‌اند، چرا آن را مخفی کرده‌اند؟ وقتی که کسی می‌خواهد چنین کاری را انجام دهد، باید امن‌ترین افراد را مسئول آن کند. نه آنکه افرادی را به کار بگمارد که به او خیانت کنند. به علاوه طبق ضمیمه شورای شهر این اختیار انحصاری آقای شهردار است، اطلاع‌داشتن رافع مسئولیت نیست. از سوی دیگر آیا می‌توان گفت که در امور دیگر شهرداری هم این اتفاقات می‌افتد و آقای شهردار بی‌اطلاع هستند؟ آقای شهردار حتما فراموش نکرده‌اند که با قاطعیت هر نوع تخلفی را در شهرداری رد می‌کردند. حالا چه شد که به یکباره از آن اظهار بی‌اطلاعی می‌شود؟ در بار حال امیدواریم با انتشار رسمی گزارش و با ذکر جزئیات لازم و پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده و نیز سایر پرسش‌های احتمالی گامی مقدماتی در مبارزه با فساد برداشته شود والا به صرف ارجاع‌دادن به رسیدگی که به‌طور معمول سال‌ها طول می‌کشد یا طول داده می‌شود، مشکل فساد حل نخواهد شد.

کیهان

باغ چهار فصل وسه عبارت

یحیی ذبیحی:
بیش از هفت ماه از آغاز سال ۹۵ می‌گذرد و خوب است مسئولان گزارش دقیق و ملموسی از «اقدام و عمل» خود در زمینه اقتصاد مقاومتی بدهند. امیدداشتن به اینکه آمریکایی‌ها اندکی فشار تحریم را رها کنند تا آبی به باغ برسد و درختان سبب و گلای بدهند، امید واهی است. ضرب‌المثلی می‌گوید: «چاه باید خودش آب داشته باشد»؛ چاه را نمی‌توان با سطل سطل آبی ریختن زنده کرد. اقتصاد کشور بیمار است و دشمن همیشه از نقطه ضعیف و آسیب‌پذیر درصدد حمله و ضربه‌زدن بوده است. این بیمار نیاز به جراحی جدی دارد. بانک‌های بنگاه‌دار که برای افزایش چندمیلیونی وام ازدواج عزا می‌گیرند و به مدیران خود حقوق‌های چندصدمیلیونی و وام‌های عجیب و غریب با سود یک درصد! می‌دهند، هرگز حاضر نیستند زیر تیغ جراحی بروند.



نظام اسلامی در مسلخ رقابت‌های جناحی

عباس حاجی‌نجاری:
بزرگ‌ترین آفت آرایش جریان‌های سیاسی کشور، حاکم‌بودن قبیله‌گرایی و عدم اولویت مصالح نظام در تعاملات آنهاست، یعنی در شرایطی که مقابله با افراد فرصت‌طلب و ناکارآمد بهترین عرصه برای پالایش جریان‌هاست، اما سکوت و اغماض در برابر تخلفات و عدم تسویه درونی سبب می‌شود عناصر فرصت‌طلب با زودبنده‌ها همیشه در محور قدرت باقی مانده و مصالح ملی و جریانی را برای حفظ موقعیت خود هزینه کنند. دستگاه قضائی در این میان در رسیدگی قاطع و به‌موقع با این تخلفات، در حفظ صیانت و سلامت نظام نقش بسزایی دارند، چراکه هرچه بررسی‌ها سریع‌تر و قاطعانه‌تر و فارغ از ملاحظات مرسوم در میان جریان‌های سیاسی باشد، اولا نقش بازدارندگی احکام بیشتر خواهد شد و ثابا فرصت‌طلبان مجال نمی‌یابند تا با تغییر چهره و اتصال با برخی افراد برای خود ایجاد مصونیت کنند.

ک

گ

ب

پ

ت

ک

گ

ب

پ

ت

ث

ج

ح

خ

د

ذ

ر

ز

س

ش

ص

ض

ط

ظ

ع

ف

ق

ک

ک

گ

ب

پ

ت

ث

ج

ح

خ

د

ذ

ر

ز

س

ش

ص

ض

ط

ظ

ع

ف

ق

ک

ک

گ

ب

پ

ت

ث

ج

ح

خ

د

ذ

ر

ز

س

ش

ص

ض

ط

ظ

ع

ف

ق

ک

د

د

د

د

د

ک

گ

ب

پ

ت

ث

ج

ح

خ

د

ذ

ر

ز

س

ش

ص

ض

ط

ظ

ع

ف

ق

ک

ک

گ

ب

پ

ت

ث

ج

ح

خ

د

ذ

ر

ز

س

ش

ص

ض

ط

ظ

ع

ف

ق

ک

ک

گ

ب

پ

ت

ث

ج

ح

خ

د

ذ

ر

ز

س

ش

ص

ض

ط

ظ

ع

ف

ق

ک

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

د

آرزو فرشید

فرصت زیادی تا انتخابات آمریکا و مشخص شدن رئیس جمهور آینده این کشور باقی نمانده است. توافق هسته‌ای و برجام سبب شده این انتخابات پیش از هر وقت دیگری برای ما مهم باشد زیرا دو نامزد ریاست‌جمهوری در آمریکا تاکنون بارها به ایران پرداخته و هر یک از آنها به‌روش خود موضع‌گیری کرده‌اند. در میزگردی با حضور داوود هرمیداس‌باوند، فریدون مجلسی و امیرعلی ابوالفتح، تحلیلگران مسائل بین‌الملل و آمریکا، نگاهی به آنچه در ابالات متحده در پیش است و تأثیر آن بر ایران، داشته‌ایم.
حاضران در عین حال که اعتقاد داشتند پیروزی هیلاری کلینتون یا دونالد ترامپ خیلی برای ما تفاوت ندارد و به طور کلی احزاب به یکدیگر نزدیک شده‌اند، ترجیح خود مبنی بر پیروزی کلینتون را مطرح کردند. دلیل این اعتقاد آن بود که تصویر روشنی از پیشینه سیاسی و سوابق کلینتون در دست است اما ترامپ تا حد زیادی پیش‌بینی‌پذیر نیست.
مشروح این میزگرد را در ادامه می‌خوانید:

نام وال‌استریت شناخته می‌شود، است. آدم‌های متکبر و فاسد که صرفاً برای منافع خود کار می‌کنند - نه توده‌ها- موجب ایجاد این خشم عمومی شده و یک دعوا، بین نخبگان و توده‌ها شکل گرفته است. به‌همین‌دلیل، با وجود اینکه محافظه‌کاران در جنگ با لیبرال‌ها، به دنبال فتح ریاست‌جمهوری هستند تا به آینده جناح خود استمرار ببخشند؛ برخی از آنها مانند خاندان بوش، آقای مک‌کین، پل رایان و ...، نگران هستند خشم عمومی سبب شود توده بر نخبگان غلبه پیدا کند یا تشکیلاتی که دستاورد هر دو حزب است، تحت تأثیر خشم عمومی که تبلور آن ترامپ است، بر هم بخورد. به‌همین‌دلیل، بخشی از جناح راست با خانم کلینتون همسو شده است. فایلی که از ترامپ (مصاحبه‌ای که ترامپ ۱۲ سال قبل با برادرزاده بوش پدر و پسرعموی بوش پسر انجام داد) منتشر شد، نشان داد که برخی محافظه‌کاران در درون حزب جمهوری‌خواه، در تلاش هستند از تشکیلات حمایت کنند، به طور خلاصه، آینده ایدئولوژیک و آینده نظم مستقر، دو تفاوت ویژه این انتخابات است.

۴ به تغییر نگاه مردم به احزاب و مسئله نظم مستقر در آمریکا (جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها) اشاره شد. به نظر شما می‌توان گفت دو حزب حاکم در ایالات متحده، در ماهیت یکسان بوده و تفاوت‌های تاکتیکی دارند؛ بنابراین اینکه کدام کاندیدا پیروز می‌شود، برای ایران تفاوت چندانی ندارد؟
باوند: آنچه اکنون می‌گوییم برپایه مسائلی است که آنها در شعارهای انتخاباتی خود مطرح کرده‌اند و می‌دانیم ۸۰ درصد این گفته‌ها، به مرحله اجرا درنخواهد آمد. در آمریکا، مسئولیت «کلکتیو» وجود ندارد و شخص رئیس‌جمهور مسئول است و وزرا، حکم مشاوران او را دارند. به‌این‌ترتیب، اگر رئیس‌جمهور آمریکا نظرات شخصی داشته باشد، شاهد تغییرات چشمگیری خواهیم بود. البته باید ملاحظاتی را مانند کنگره، نهادهای دولت، شمای شورای عالی امنیت ملی، وزارت خارجه، سنا و فراتر از آن، لابی‌های موجود و متحدان آمریکا، در نظر داشته باشد. بنابراین رئیس‌جمهور باید با درنظرگرفتن مجموعه این تعاملات، خطومشی خود را برگزیند. یک مثال می‌زنم؛ زمانی‌که «دوگل» رئیس‌جمهور فرانسه شد، به آمریکایی‌ها پیشنهاد داد یک تفاهم سه‌جانبه میان انگلستان، آمریکا و فرانسه ایجاد و تصمیمات جهان غرب بر اساس آن گرفته شود. آیزنهاور این پیشنهاد را نپذیرفت. کندی نیز که قبل از ریاست‌جمهوری، در کتاب خود موضع دوگل را تحسین کرده بود؛ وقتی رئیس‌جمهور شد، همان تصمیم آیزنهاور را گرفت. یک مثال دیگر درباره ایران وجود دارد؛ وقتی آقای صالح، سفیر ما در آمریکا، بعد از ۲۸ مرداد برای

د

د

د

د

د

خداحافظی نزد آیزنهاور رفت، آیزنهاور به او گفته بود شخصاً با خطومشی دکتر مصدق موافق هستم؛ اما به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا باید به نحوه دیگری عمل کنم. منظور از ذکر این دو مثال، این بود که بگویم در آمریکا منافع ملی بر همه چیز اولویت دارد و بین رئیس‌جمهور دموکرات و جمهوری‌خواه دراین‌زمینه، تفاوتی نیست. ناگفته نماند که این دو حزب، به طور سنتی تفاوت‌هایی دارند. دموکرات‌ها به حزب جنگ‌بودن متهم هستند؛ چون زمان ویلسون وارد جنگ اول و زمان روزولت، وارد جنگ جهانی دوم شدند. زمان ترومن جنگ کره و زمان کندی و جانسون نیز جنگ ویتنام بود. در مقابل جمهوری‌خواهان حزب صلح بوده‌اند. دموکرات‌ها نگاه برون‌مرزی و جمهوری‌خواهان نگاه درون‌مرزی دارند. دموکرات‌ها طرفدار طبقات محروم و اقلیت‌ها، بیمه‌های اجتماعی، آزادی هم‌جنس‌بازان و محدودکردن سلاح هستند و جمهوری‌خواهان، حزب طبقات مرفه هستند. در مقطعی (جنگ‌های داخلی) جنوب تمام‌وکمال دموکرات بود. آنها به ارتقای دولت فدرال اعتقاد دارند و جمهوری‌خواهان اعتقاد دارند میان ایالات و دولت مرکزی باید تعادلی برقرار باشد. دو حزب اختلافاتی از این دست دارند اما اگر از اینها بگذریم، باید به استراتژی کلان ایالات متحده که تعیین‌کننده است، توجه داشت.

مجلسی: همان‌طور که گفته شد، در آمریکا یک ساختار وجود دارد تا منافع ملی کشور را فراتر از جناح‌ها حفظ کند. ساختاری که در آن سیاست خارجی نقش درخور توجهی داشته و تصمیمات نهایی براساس آن ساختار گرفته می‌شود. **آقای ابوالفتح** شما نیز به یکسان‌بودن دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در حوزه سیاست خارجی اعتقاد دارید؟

ابوالفتح: هم بله، هم خیر. موارد مشابه و موارد اختلاف بسیاری وجود دارد که به اعتقاد من باید مورد به مورد بررسی شود؛ مثلاً دفاع از بازار آزاد، منافع اقتصادی ایالات متحده و حفظ حریم امنیتی، موارد اشتراک نظر دو حزب است. البته درباره اجرای همین موارد، مثل اینکه در کدام نقطه وارد جنگ بشوند یا نشوند و ...، اختلاف‌نظر وجود دارد. خیلی نمی‌شود خطکش گذاشت و به نتیجه رسید که دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات در سیاست خارجی با هم اشتراک نظر یا اختلاف نظر دارند. معمولاً این سؤال طرح می‌شود که کدام‌یک از اینها برای ایران بهتر هستند. اما مسئله ارتباط بین ایران و آمریکا موضوعی دوطرفه است، بنابراین باید دید سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران به سمت تنش‌زدایی است یا خلاف آن. اگر این مسئله که تصمیم‌گیری درباره آن در اختیار حداقل بنده نیست و از سوی مقامات ارشد نظام انجام می‌شود، از طرف جمهوری اسلامی مشخص شود، می‌توان بهتر تحلیل کرد که کدام‌یک از این دو نامزد برای ما فرصت بیشتر یا خطر کمتری ایجاد می‌کنند. اگر ایران به این نتیجه برسد که الگوی برجام مسیری بود که تنش‌ها را مدیریت و آتش گرفتن آن جلوگیری کرد، به این نتیجه خواهیم رسید که فردی که خودش در این مسیر حضور داشته (کلینتون) کمک بیشتری می‌کند. او خودش وزیر خارجه بوده و مذاکرات عمان از زمان او آغاز شده و دولت اوپاما را نیز تأیید کرده است. به همین خاطر، برخی می‌گویند ریاست‌جمهوری هیلاری کلینتون دوره سوم ریاست‌جمهوری اوپاباست؛ بنابراین نباید یک تحول اساسی داشته باشیم، مگر اینکه یک تحول بزرگی در داخل ایران یا در سطح منطقه رخ دهد که دولت او رفتاری متفاوت با رفتار دولت اوپاما داشته باشد. حالا اگر نظام به این نتیجه برسد که الگوی برجام یک بدعده‌ی بوده و سر ما کلاه رفته است، فرصت منطقه‌ای ایجاد می‌کند که ما در عراق، سوریه و یمن وارد تقابل بیشتر با ایالات متحده شده و از خلا کاهش حضور گسترده آنها برای افزایش منافع خود استفاده کنیم؛ نتیجه این خواهد بود که فردی به دنبال برهم‌زدن نظم بین‌المللی (ترامپ) کمک بیشتری می‌کند. او می‌خواهد یک آثارشیم بین‌المللی ایجاد کند و در آن فضا قدرت اجماع‌سازی خود علیه ایران را از دست می‌دهد. اگر ترامپ رئیس‌جمهور شود و بخواهد ۳۰ درصد از شعارهای خود را اجرا کند، آنچنان با متحدان آمریکا (اروپایی‌ها، عربستان، ژاپن و کره جنوبی) به مشکل برخورد می‌کند...

احمدی‌نژاد:
بودجه برخی افراد و نهادهای رسمی کشور در بودجه امسال حذف خواهد شد
عضو کمیسیون اقتصادی:
دولت منابع را درست هزینه کند
وزیر دوره اصلاحات:
رئیس دولت اصلاحات به‌هیچ‌وجه قصد نامزدی در انتخابات هشتمین دوره مجلس را ندارد
دبیر آژانس انرژی اتمی:
راهی جز دیپلماسی و انجام بازرسی‌ها نمی‌بینم
پادشاه عربستان:
حضور عربستان در کنفرانس صلح خاورمیانه بستگی به تضمین موفقیت آن دارد زیرا در غیر این صورت ریاض حاضر به شرکت در چنین کنفرانسی نیست
استعفای دسته‌جمعی شورای صنفی دانشگاه تهران در اعتراض به عدم پاسخ‌گویی مسئولان

معاون اول قوه قضائیه:
رسیدگی به پرونده‌ها نباید منجر به توقف پروژه‌های اقتصادی شود
مشاور ارشد رئیس‌جمهور:
شرکت‌های غربی بازنده اصلی تحریم‌های آمریکا علیه ایران هستند
دبیر شورای‌عالی امنیت ملی در دیدار با وزیر خارجه ترکیه:
اسناد حمایت آمریکا از تروریست‌ها در منطقه موجود است
معاون امور بین‌الملل وزارت خارجه:
ایران و آژانس به جمع‌بندی درباره سانتریفیوژها نزدیک هستند
قائم‌مقام وزیر خارجه:
ساختارهای امنیت منطقه‌ای باید براساس اهداف مشترک کشورها باشد
معاون حقوقی و پارلمانی رئیس‌جمهور:
گروه‌های سیاسی شکست‌خورده علیه دولت برنامه‌ریزی کرده‌اند
وزیر بازرگانی:
مناطق آزاد به‌جای صادرات واردکننده شده‌اند

مجلسی:
همان‌طور که گفته شد، در آمریکا یک ساختار وجود دارد تا منافع ملی کشور را فراتر از جناح‌ها حفظ کند. ساختاری که در آن سیاست خارجی نقش درخور توجهی داشته و تصمیمات نهایی براساس آن ساختار گرفته می‌شود. **آقای ابوالفتح** شما نیز به یکسان‌بودن دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در حوزه سیاست خارجی اعتقاد دارید؟

ابوالفتح: هم بله، هم خیر. موارد مشابه و موارد اختلاف بسیاری وجود دارد که به اعتقاد من باید مورد به مورد بررسی شود؛ مثلاً دفاع از بازار آزاد، منافع اقتصادی ایالات متحده و حفظ حریم امنیتی، موارد اشتراک نظر دو حزب است. البته درباره اجرای همین موارد، مثل اینکه در کدام نقطه وارد جنگ بشوند یا نشوند و ...، اختلاف‌نظر وجود دارد. خیلی نمی‌شود خطکش گذاشت و به نتیجه رسید که دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات در سیاست خارجی با هم اشتراک نظر یا اختلاف نظر دارند. معمولاً این سؤال طرح می‌شود که کدام‌یک از اینها برای ایران بهتر هستند. اما مسئله ارتباط بین ایران و آمریکا موضوعی دوطرفه است، بنابراین باید دید سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران به سمت تنش‌زدایی است یا خلاف آن. اگر این مسئله که تصمیم‌گیری درباره آن در اختیار حداقل بنده نیست و از سوی مقامات ارشد نظام انجام می‌شود، از طرف جمهوری اسلامی مشخص شود، می‌توان بهتر تحلیل کرد که کدام‌یک از این دو نامزد برای ما فرصت بیشتر یا خطر کمتری ایجاد می‌کنند. اگر ایران به این نتیجه برسد که الگوی برجام مسیری بود که تنش‌ها را مدیریت و آتش گرفتن آن جلوگیری کرد، به این نتیجه خواهیم رسید که فردی که خودش در این مسیر حضور داشته (کلینتون) کمک بیشتری می‌کند. او خودش وزیر خارجه بوده و مذاکرات عمان از زمان او آغاز شده و دولت اوپاما را نیز تأیید کرده است. به همین خاطر، برخی می‌گویند ریاست‌جمهوری هیلاری کلینتون دوره سوم ریاست‌جمهوری اوپاباست؛ بنابراین نباید یک تحول اساسی داشته باشیم، مگر اینکه یک تحول بزرگی در داخل ایران یا در سطح منطقه رخ دهد که دولت او رفتاری متفاوت با رفتار دولت اوپاما داشته باشد. حالا اگر نظام به این نتیجه برسد که الگوی برجام یک بدعده‌ی بوده و سر ما کلاه رفته است، فرصت منطقه‌ای ایجاد می‌کند که ما در عراق، سوریه و یمن وارد تقابل بیشتر با ایالات متحده شده و از خلا کاهش حضور گسترده آنها برای افزایش منافع خود استفاده کنیم؛ نتیجه این خواهد بود که فردی به دنبال برهم‌زدن نظم بین‌المللی (ترامپ) کمک بیشتری می‌کند. او می‌خواهد یک آثارشیم بین‌المللی ایجاد کند و در آن فضا قدرت اجماع‌سازی خود علیه ایران را از دست می‌دهد. اگر ترامپ رئیس‌جمهور شود و بخواهد ۳۰ درصد از شعارهای خود را اجرا کند، آنچنان با متحد